



ایمان و عمل

دکتر حسین مروتی

تلاش برای جوانی جمعیت و وظیفه ضروری همه است

تلاش برای افزایش نسل، و جوان شدن
نیروی انسانی کشور و حمایت از
خانواده، یکی از ضروری ترین فرائض
مسئولان و آحاد مردم است. این
فریضه درباره ی افراد و مراکز اثرگذار و
فرهنگ ساز، تأکید بیشتری یابد.

پیام رهبر انقلاب به
فعالان حوزه جمعیت

調
理
新
業

عنوان اثر: جمعیت و ابعاد آن
بر اساس گفتاری از: دکتر حسین مروتی
تهیه شده در مرکز جوانی جمعیت،
سلامت خانواده و مدارس معاونت بهداشت
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
طراح جلد و صفحه آرا: مهدی شیعهزاده
تولید شده در دی ماه ۱۴۰۲



مقدمه.....	۶
موافقان و مخالفان افزایش جمعیت.....	۷
مدرنیته و انقلاب جنسی.....	۷
عوامل مؤثر در رخداد انقلاب جنسی.....	۸
جنبش زنان (موج دوم فمینیست).....	۸
انقلاب قانون طلاق.....	۱۰
کتاب‌های منتشر شده خاص.....	۱۱
انقلاب وسایل ضدبارداری.....	۱۲
تحول رسانه در غرب.....	۱۳
پیامدهای انقلاب جنسی؛ از دست دادن خانواده مستحکم و جمعیت جوان.....	۱۴
دلایل عدم امکان بازگشت غرب به قبل از انقلاب جنسی.....	۱۶
پیوند بحث سرمایه با مسائل جنسی.....	۱۷
بالا بودن شدت تغییرات.....	۱۷
اقدامات غرب بعد از انقلاب جنسی در سایر کشورها.....	۱۷
تخریب نهاد خانواده در سرتاسر دنیا.....	۱۸
کنترل جمعیت.....	۱۸
پروژه کنترل جمعیت قبل از انقلاب.....	۱۹
اقدامات غرب برای کنترل جمعیت.....	۲۰
تولید شبه علم علمی.....	۲۰
ترویج دیدگاه‌های ضد جمعیت.....	۲۰
پرورش نیرو.....	۲۲
گنجانیدن تنظیم خانواده در مؤلفه‌های حقوق بشر.....	۲۴
پروژه کنترل جمعیت بعد از انقلاب.....	۲۴
تفاوت کنترل جمعیت ایران با سایر کشورها.....	۲۵
جمعیت؛ مسئله حاکمیت و مردم.....	۲۷
ثمرات فرزندآوری برای خانواده‌ها.....	۲۸
اقدامات لازم برای حمایت از خانواده‌ها.....	۳۲
توجه ویژه به سقط جنین.....	۳۶
سقط جنین به مثابه کشتن.....	۳۶
بیشتر بودن آمار سقط جنین از تصادفات جاده‌ای.....	۳۸
نقش شبکه بهداشت و سلامت در پیشگیری از سقط جنین.....	۳۹

مقدمه

جمعیت در طول تاریخ یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت شمرده می‌شد. پادشاهان، حاکمان و سیاست‌مداران دوست داشتند که جمعیت تحت پوششان جمعیت بیشتری باشد. اگر جنگ می‌شد، نیروی نظامی بیشتری می‌توانستند بسیج کنند و در غیر حالت جنگ هم می‌توانستند مالیات و خراج بیشتری را از جمعیت تحت پوششان بگیرند. جمعیت تعیین‌کننده قدرت حکومت‌ها بود

موافقان و مخالفان افزایش جمعیت

دانشمندان نظرات مختلفی را پیرامون جمعیت داشتند. برخی موافق با افزایش جمعیت بودند، برخی می‌گفتند جمعیت کم بشود بهتر است، برخی دیگر می‌گفتند جمعیت باید ثابت باشد؛ یعنی به همان میزان که مرگومیر وجود دارد، موالید هم در همان سطح باشد؛ یعنی نه به جمعیت اضافه بشود و نه از جمعیت کم بشود. گروه دیگری از دانشمندان اما معتقد بودند که جمعیت باید متناسب با مختصات کشور باشد؛ چه مقدار آن کشور ظرفیت دارد، چه مقدار امکانات دارد، چه مقدار توسعه علمی پیدا کرده است، چه مقدار زیرساخت دارد، متناسب با آن مختصات باید جمعیت داشته باشیم

آنچه در طول تاریخ نشان داده شده این است که هیچ‌گاه حاکمان به نظرات دانشمندانی که مخالف رشد جمعیت بودند توجه نکردند

مدرنیته و انقلاب جنسی

یکی از مهم‌ترین اتفاقات که بعضاً دانشمندان غربی به آن مهم‌ترین اتفاق اجتماعی تاریخ مدرنیته می‌گویند و اتفاق فوق‌العاده مهمی در تاریخ بشر بوده، انقلاب جنسی است. این مسئله در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی ابتدا در آمریکا و بعد به‌صورت دومینووار در کشورهای مختلف اروپایی رخ می‌دهد. عواملی دست‌به‌دست هم



می‌دهند و کشورهایی را که خانواده‌های مستحکم‌تری داشتند به وضع فعلی می‌رسانند که نهاد خانواده تا حد بالایی تضعیف شده، هنجارهای اخلاق جنسی به‌شدت به سمت نابودی رفته و فجایع متعدد اخلاقی در این جوامع رقم خورد.

چه عواملی دست‌به‌دست هم داد تا این انقلاب جنسی رخ داد؟ اینکه این انقلاب جنسی چه وقایعی را به دنبال خودش داشت و چه مسائلی را در سطح دنیا رقم زد؟

این انقلاب جنسی یک نقطه عطف فوق‌العاده مهم است؛ قبلش سیاست‌های خاصی در دنیا پیگیری می‌شد، بعدش سیاست‌هایی که در دنیا پیگیری شد متفاوت بود. بعد از این انقلاب جنسی است که بعضاً با حکام و سیاست‌مدارانی مواجه می‌شویم که با کاهش رشد جمعیت موافق‌اند

عوامل مؤثر در رخداد انقلاب جنسی

عواملی دست‌به‌دست هم داد تا انقلاب جنسی رقم خورد؛

جنبش زنان (موج دوم فمینیست)

یکی جنبش زنانی بود که در آن برهه رقم خورد، موج دوم فمینیست، فمینیست‌های رادیکال بودند. به‌شدت فمینیست‌های ضد خانواده بودند. مدعیان حقوق زن و مدعیان برابری جنسیتی، این جریان به‌شدت علیه خانواده اقدام کرد



یکی از نکاتی را که در کتاب‌هایشان و در سخنرانی‌هایشان بیان می‌کردند، بحث ضدیتشان با خانه‌داری زن بود. حتی در کتاب‌هایشان آوردند که خانه‌داری یک زن مثل کار در اردوگاه کار اجباری است. حتی اگر یک خانمی خودش راغب و مایل بود که در خانه بنشیند و فرزند پروری و همسر داری کند، باید او را به‌زور از خانه بیرون بکشیم و به او کار در بیرون از محیط خانه بدهیم. آن فضایی که آن سال‌ها و در موج دوم فمینیست - فمینیست‌های رادیکال - رقم خورد، به‌شدت فضا، فضای ضد خانواده و به‌شدت ضد مرد بود. این کمک کرد به اینکه انقلاب جنسی رقم بخورد. یکی از سردمداران آن موج دوم فمینیست خانمی به نام شولامیث فایراستون بود. این خانم شولامیث فایراستون می‌گفت که علت ظلم تاریخی به زن، بیولوژی تولید مثلش است؛ اینکه می‌تواند بچه بیاورد. من حتی در جایی دیدم که پیشنهاد کرده بود که پزشکان باید کاری کنند که مردان هم بچه بیاورند، یعنی مردان هم حامله بشوند.

این افکار رادیکالی که این‌ها داشتند به‌شدت علیه خانواده رقم خورد. جالب است که این خانم شولامیث فایراستون در سال ۲۰۱۲ فوت کرد؛ در تنهایی فوت کرد و بر اثر بوی فاسد شدن جسدش بود که همسایه‌ها فهمیدند این فرد، - که یکی از رهبران موج دوم فمینیست بوده - فوت کرده است.



انقلاب قانون طلاق

مسئله بعدی که منجر به وقوع انقلاب جنسی در غرب شد، انقلاب طلاق بود، divorce revolution. قانون طلاق که در آمریکا تغییر کرد، به قانون طلاق بی‌دلیل معروف است. دیگر زن و مرد احتیاج نداشتند اقامه دلیل کنند که از همسرشان طلاق بگیرند. طلاق را تسهیل کردند. این قانون به‌صورت فدرال که درآمد، در سال اول در آمریکا قریب به سی درصد به آمار طلاق افزوده شد و طلاق راحت شد

در انقلاب جنسی فساد همه‌گیر شد، به‌طوری‌که یک جوان برای پاسخ به غریزه‌اش، ضرورتی نمی‌دید که بخواهد ازدواج کند؛ یعنی عامل مهمی که در تشکیل ازدواج وجود داشت سست شد. ازدواج‌هایی هم که شکل می‌گرفت، به کوچک‌ترین بهانه‌ای به‌راحتی می‌توانست منجر به طلاق بشود. فرزند هم که می‌توانست عامل بقای خانواده‌ها باشد، به‌شدت فرزندآوری کم شد. این عوامل دست‌به‌دست هم داد تا شرایط فعلی غرب را رقم زد. الآن تقریباً در غرب از هر دو بچه‌ای که به دنیا می‌آید، یکی خارج از فضای خانواده به دنیا می‌آید

در آمریکا بیش از ۴۵ درصد از بچه‌ها که به دنیا می‌آیند نامشروع هستند، یعنی پدر مشخص ندارند یا پدری بالای سر خانواده نیست. هم‌باشی رقیب ازدواج شد. آن عبارتی که بعضاً



به اشتباه ازدواج سفید می‌گوییم که نه ازدواج است نه سفید است، یک زنای مستمر است. الآن ازدواج سفید در غرب، رقیب ازدواج شده و منجر به این شده است که حتی مواردی که ازدواج می‌کنند بسیاری از آن‌ها قبل از آن زندگی هم‌باشی را داشتند. بعضاً این دختران کوچکی که می‌بینید لباس عروس در فیلم‌های غربی پوشیدند، این‌ها معمولاً دارند می‌روند در عروسی مادر و پدرشان شرکت کنند؛ یعنی بالاخره این‌ها تصمیم گرفتند که با هم ازدواج کنند

کتاب‌های منتشر شده خاص

عامل بعدی که منجر به وقوع انقلاب جنسی در غرب شد، کتاب‌هایی بود که آلفرد کینزی نوشته است. آلفرد کینزی دو کتاب بسیار مهم نوشت؛ یکی رفتارهای جنسی در مردان و دیگری رفتارهای جنسی در زنان. در این دو کتاب بسیاری از مفاسد اخلاقی را بیش از آن چیزی که وجود داشت شایع جلوه داد. مثلاً رفته بود از یک بند خاص از زندان مطالعه انجام داده بود که بسیاری اساساً به خاطر مفاسد اخلاقی زندان افتاده بودند. شیوعی که فساد اخلاقی در آن قسمت از زندان داشت را به کل جامعه تعمیم داده بود و به اعداد و ارقام عجیب و غریبی رسیده بود. مثلاً ۸۰ درصد خیانت، ۲۰ درصد همجنس بازی و امثال این‌ها. اعدادی که بعدش کسی نتوانست ادعا کند که در



این حد در جامعه آمریکا این مفاسد اخلاقی وجود دارد و بعد کتب متعددی نوشته شد و بیان شد که آن چیزی که به عنوان مطالعات علمی، آقای آلفرد کینزی ارائه داده واقعاً یک شیادی محض است و این مطالعه کلی سوگیری دارد

بر اساس مطالعات آلفرد کینزی، بسیاری از قوانین در آمریکا تغییر کرد، بسیاری از مفاسد اخلاقی جواز پیدا کرد. چرا؟ چون آقای آلفرد کینزی یک شعار داشت که می گفت گناه همه گناه هیچ کس نیست. رفتاری که همه دارند انجام می دهند، رفتار طبیعی بشر است و این دیگر معنا ندارد که بگوییم یک گناه است، ناهنجار است، ضد ارزش اجتماعی است

انقلاب وسایل ضدبارداری

عامل بعدی که منجر به وقوع انقلاب جنسی در غرب شد، انقلاب وسایل ضدبارداری بود. در طول تاریخ انواع و اقسام مختلف وسایل ضدبارداری وجود داشت اما تنوع و تکثر فوق العاده و تولید انبوه این وسایل یک مسئله متأخر است و مربوط به همین ۶۰-۷۰ سال گذشته است. به عنوان نمونه قرصی که در سال ۱۹۶۲ به عنوان یک قرص ضدبارداری مجوز FDA آمریکا را گرفت و مصرف شد. ظرف چند سال جمعیت انبوهی از زنان کشورهای غربی از این قرص ها استفاده کردند



قرص ضدبارداری چگونه می‌تواند منجر به انقلاب جنسی شود؟ این قرص‌ها کمک کردند اگر یک زن غربی، بازدارنده درونی نداشت، _ به قولی آن تقوا را نداشت که بخواهد یکسری اصول را رعایت کند_ این قرص‌ها به این زن اطمینان خاطر می‌داد که دیگر بعد از ارتکاب فساد اخلاقی، مسائل متعدد برایش به وجود نخواهد آمد، بارداری ناخواسته نخواهد داشت، دردسرهای سقط را به دنبال نخواهد داشت و خیالش می‌تواند راحت باشد. خود غربی‌ها می‌گویند این قرص‌ها و انقلاب وسایل ضدبارداری به وقوع انقلاب جنسی در غرب کمک کرد

تحول رسانه در غرب

عامل دیگری که منجر به وقوع انقلاب جنسی در غرب شد، مسائلی بود که پیرامون رسانه در غرب رخ داد. قوانین سانسور در هالیوود تغییر کرد، مفهوم منحوس +۱۸ در آن برهه اختراع شد، مجلات مبتذل در آن برهه تیراژ میلیونی می‌خوردند و یکی از مؤثرترین اتفاقاتی که در حیطه رسانه افتاد، ورود تلویزیون‌های کابلی به خانه‌های مردم بود. یک تلویزیون رسمی وجود داشت که خیلی از ملاحظات اخلاقی را رعایت می‌کرد ولی در کنارش به‌موازات آن یک جریان تلویزیون‌های کابلی پا به عرصه گذاشت و مردم چند دلار پول می‌دادند و اشتراک سریال‌های آن تلویزیون‌های کابلی را می‌خریدند



در آن سریال‌ها دیگر خیلی از این ممنوعیت‌های اخلاقی رعایت نمی‌شد، مفاسد اخلاقی به فراوانی به تصویر درمی‌آمد. خشونت هم همین‌طور ترویج می‌شد. خود غربی‌ها می‌گویند که این مسائل رسانه‌ای، به‌خصوص بحث ورود تلویزیون‌های کابلی فوق‌العاده مؤثر بود که برای کشور ایران هم به عبرت‌هایی را داشت

مجموع این عوامل دست‌به‌دست هم داد و انقلاب جنسی در غرب را رقم زد. واقعیت این است مسئله فوق‌العاده پیچیده‌تر است. دانشمندان متعددی که در این مسئله نظر داشتند و افکارشان منجر به وقوع انقلاب جنسی شد جای پرداخت بیشتری دارد

پیامدهای انقلاب جنسی؛ از دست دادن خانواده

مستحکم و جمعیت جوان

انقلاب جنسی منجر شد به اینکه غرب دو مؤلفه مهم قدرت را از دست بدهد؛ یکی خانواده مستحکم و دیگری جمعیت جوان. جمعیت جوان تا حد زیادی مشخص است که چرا مؤلفه قدرت است؛ چون این جمعیت جوان توانمند است، قدرتمند است و تولید قدرت می‌کند؛ اما خانواده مستحکم چرا مؤلفه قدرت شمرده می‌شود؟ چرا منجر به تولید قدرت می‌شود؟ به خاطر اینکه یک خانواده مستحکم است که می‌تواند نیروی انسانی خوب تربیت کند



مستند زمستان جمعیتی را ببینید. خارجی‌ها ساختند و در ایران دوبله شده است. در آن مستند آمدند مطالعاتی که ویژگی خانواده مستحکم را اثبات کرده است آوردند. انواع و اقسام خانواده‌های قوی که به قول خودشان اسم خانواده _رویش غربی‌ها_ می‌گذارند، قیاس کرده است. گفته است از انواع خانواده‌های غربی، کدام‌شان در تربیت فرزند موفق‌تر بودند؟ کدام‌شان بچه‌هایی تربیت کردند که اعتیاد در آن‌ها کمتر است، خودکشی در آن‌ها کمتر است، ترک تحصیل در آن‌ها کمتر است. این ۵-۶ مدل خانواده‌ای که بررسی کردند ببینند کدام موفق‌تر است؟

پدر و مادر قانونی، پدر و مادر هم‌باشی Cohabitation، تک‌والد مرد یعنی صرفاً پدر بالای سر خانواده باشد، تک‌والد زن یعنی صرفاً مادر بالای سر خانواده باشد، همجنس‌باز مرد و همجنس‌باز زن. این‌ها را قیاس کردند. در عمده مطالعاتی که صورت گرفته، موفق‌ترین خانواده در تربیت فرزند، پدر و مادر قانونی است که عمده آسیب‌های اجتماعی در بچه‌های آن‌ها فوق‌العاده کمتر است و معمولاً در مطالعات، بدترین، همجنس‌بازهای مرد هستند که متأسفانه در این فرهنگ مبتذل غربی همجنس‌باز مرد هم می‌تواند برود یک بچه‌ای را بگیرد، بیاورد و بزرگ کند که اوج ابتذال و سخافت فرهنگی غرب است. غربی‌ها این دو مؤلفه قدرت را از دست دادند



سیمای پیشین خانواده چگونه بود؟ همان فیلم‌هایی که بعضاً دیدیم؛ یک میزی است و چند بچه - معمولاً ۳-۴ بچه - دور میز همراه با پدر و مادر نشستند، به شدت به پدر و مادر احترام می‌گذارند، دعای سفره می‌خوانند و بعد غذا را شروع می‌کنند؛ اما می‌بینیم که در یک برهه‌ی خیلی کوتاهی این سیمای خانواده غربی دگرگون می‌شود و این‌ها خانواده مستحکم را از دست می‌دهند

به اینجا که رسید، غربی‌ها، اندیشمندان، دانشمندان و تئوریسین‌های غربی به فکر فرو رفتند، گفتند هم فرزندآوری‌مان ظرف بیست سال که انقلاب جنسی رخ داده تقریباً نصف شده و داریم جمعیت جوانمان را از دست می‌دهیم و خانواده‌های مستحکمان دارد کم می‌شود و اساساً خانواده شکل نمی‌گیرد و خانواده‌هایی که شکل می‌گیرند، درصد زیادی به طلاق منتهی می‌شود و کارکردهای این خانواده‌ها هم روز به روز دارد از دست می‌رود

دلایل عدم امکان بازگشت غرب به قبل از انقلاب جنسی

دو مسیر در قبال این مؤلفه‌های قدرت پیش روی آن‌ها بود؛ یکی اینکه به همان سبک زندگی خانواده‌محور قبلی برگردند که تا حد زیادی این قضیه نشدنی بود. چرا؟



پیوند بحث سرمایه با مسائل جنسی

زیرا مسائل جنسی با بحث سرمایه پیوند خورده بود. الآن چرا نمی‌توانند در آمریکا قوانین اسلحه را تغییر بدهند؟ به خاطر اینکه این کمپانی‌های اسلحه‌سازی این قدر قدرتمند هستند که رئیس‌جمهور می‌برد و می‌آورند. مسائل جنسی با بحث سرمایه پیوند خورده بود و کسی در غرب حریف سرمایه‌دارها نیست. در شرق هم چه بسا همین است

بالا بودن شدت تغییرات

عامل دیگری که نمی‌گذاشت غرب به سبک زندگی خانواده محور برگردد، شدت تغییرات بود؛ شدت تغییرات فوق‌العاده زیاد بود و امکان اینکه این مسیر را برگردانند و برخلاف جریان آب شنا کنند وجود نداشت. گفتند امکان برگشتن به آن سبک زندگی خانواده محور پیش از انقلاب جنسی را از دست دادیم. تدبیری که کردند چه بود؟ گفتند حالا که این دو مؤلفه قدرت، یعنی خانواده مستحکم و جمعیت جوان را نداریم، کاری کنیم که دیگران هم نداشته باشند. این اتفاقی بود که برای غرب رقم خورد.

اقدامات غرب بعد از انقلاب جنسی در سایر کشورها

بعد از آن است که شاهد پیگیر دو مسئله عمده هستیم؛ تخریب نهاد خانواده در سرتاسر دنیا و جهان غیر از غرب و پیگیری کنترل جمعیت در دنیا.



تخریب نهاد خانواده در سرتاسر دنیا

غرب در کشورهای مختلف دنیا روی مسئله کنترل جمعیت سوار می‌شود، اسنادش الی‌ماشاءالله وجود دارد. خواستند که این مؤلفه‌های قدرت را از کشورهای مختلف دنیا بگیرند، خواستند که خانواده را تضعیف کنند. می‌بینیم که کارهای رسانه‌ای در این جهت دارد در کشور می‌شود؛ مثلاً ده‌ها شبکه ماهواره‌ای وجود دارد که هزینه می‌کنند برای اینکه یک سریال خارجی را در ایران دوبله کنند و پخش شود. هزینه این ده‌ها شبکه ماهواره‌ای را کی دارد پرداخت می‌کند؟ کی می‌پردازد؟ چرا غربی‌ها دارند در این مسیر هزینه می‌کنند؟ به خاطر سودش. آن‌ها هزینه می‌کنند برای اینکه خانواده‌هایی را در سرتاسر جهان دچار فروپاشی کنند تا این قدرتی که خانواده مستحکم ایجاد می‌کند، برای کشورهای شرقی و به خصوص کشورهای مسلمان ایجاد مزیت نسبی نکند. برای اینکه موازنه قدرت در دنیا به هم نریزد

کنترل جمعیت

جالب است بدانیم که کنترل جمعیت در ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب توسط کسانی انجام شد و کسانی رهبران کنترل جمعیت و معماران کنترل جمعیت بودند که تقریباً همگی در آمریکا تحصیل کرده بودند

**پروژه کنترل جمعیت قبل از انقلاب**

پروژه کنترل جمعیت از آمریکا آغاز شد و خانم ستاره فرمانفرمایان که مددکاری اجتماعی خوانده بود، قبل از سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در ایران کنترل جمعیت را آغاز می‌کند. کم‌کم دستگاه سلطنتی می‌آید از او حمایت می‌کند و برنامه‌هایش را در کل کشور گسترش می‌دهند. مسئله جمعیت این‌قدر برای غرب مهم بود که سفارت آمریکا در ایران یک نیروی ویژه مسئله جمعیت داشت

مسئله جمعیت این‌قدر برای غرب مهم بود که وقتی شاه یک جلسه خصوصی با کیسینجر، مشاور امنیت ملی کارتل و فورد رئیس‌جمهور آمریکا داشت، بحث بر سر جمعیت شد. یک جلسه دیگری تقریباً با همین ترکیب، به‌جای شاه دکتر هوشنگ انصاری در واشنگتن نشسته بود. اولین سؤالی که رئیس‌جمهور آمریکا از وزیر اقتصاد ایران می‌کند این است که آیا همچنان رشد جمعیت شما بالا است؟ پاسخ می‌شنود؛ بله متأسفانه جمعیتمان بالاست ولی به‌شدت پیگیر کنترل جمعیت هستیم

بحث کنترل جمعیت فوق‌العاده برای غربی‌ها اهمیت داشت و به‌شدت پیگیر بودند. حضرت امام در نوفل‌لوشاتو پاریس است، انقلاب هنوز پیروز نشده است. خبرنگار زن آمریکایی به نام جورجی گایر می‌آید از حضرت امام می‌پرسد که آیا اگر شما توانستید در ایران



حکومت تشکیل بدهید، کنترل جمعیت خواهید کرد؟ _ نگرانی که غرب دارد، این است که آیا اگر نظام ایران تغییر کند، کنترل جمعیت ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر؟ _ که حضرت امام خیلی هوشمندانه می گویند در این زمینه باید حکومت تصمیم بگیرد.

اقدامات غرب برای کنترل جمعیت

تولید شبه علم علمی

مسئله جمعیت فوق العاده برای غربی ها اهمیت داشت. برای اینکه کنترل جمعیت را در دنیا به پیش ببرند، کارهای مختلفی انجام می دادند. یکی از کارهای مهمشان این بود که تولید علم کنند، تولید ادبیات یا دقیق تر تولید شبه علم علمی کنند. شما به رشته های مختلف تحصیلی رجوع می کنید، دیدگاه آنها نسبت به جمعیت، نسبت به رشد جمعیت و نسبت به فرزندآوری چیست؟ معمولاً عمده اقتصاددان هایی که می شناسیم مخالف رشد جمعیت هستند. عمده جمعیت شناسانی که در دنیا می شناسیم، مخالف رشد جمعیت هستند

ترویج دیدگاه های ضد جمعیت

عموم کارشناسان رشد جمعیت را مخرب محیط زیست می دانند، نابودکننده منابع طبیعی می دانند و رشد جمعیت را ضد سلامت می دانند. ده ها رشته مختلف، همه ضدیت با رشد جمعیت و با



فرزندآوری دارند. این از کجا آمده است؟ این‌ها با پروژه‌های مختلفی که به دانشمندان دادند، ادبیات علمی برایش تولید شد تا بتوانند از این طریق با سیطره علمی که غرب داشت، کنترل جمعیت را در دنیا به پیش ببرند.

خیلی جالب است خانم دکتر امیلی مرکانت؛ زن دانشمند غربی است، پایان‌نامه‌اش دکترایش را در موضوع اسناد کنترل جمعیت انجام داد. تعریف می‌کند می‌گوید یک زمانی جمعیت‌شناسان آمریکایی معتقد بودند که اگر می‌خواهید رشد جمعیت در کشورهای غیر غربی، در حال توسعه یا عقب‌مانده کاهش پیدا کند، باید کمک کنید این‌ها به توسعه برسند؛ یعنی وقتی یک سیاست‌مدار آمریکایی به جمعیت‌شناس آمریکایی رجوع می‌کرد، جمعیت‌شناس می‌گفت که من می‌دانم نگران هستی که کشورهای در حال توسعه دارد رشد جمعیتشان زیاد می‌شود، ولی راهش این است که این‌ها به توسعه برسند، چون هر کشوری به توسعه رسید، رشد جمعیتش کم شد. کمک به توسعه کشورهای غیر غربی، مطلوب سیاستمداران آمریکایی است.

برای همین جمعیت‌شناسان پروژه تعریف کردند و گفتند که مفهوم دیگری ایجاد کنید. همان افرادی که این اعتقاد را داشتند، بعداً گفتند اگر می‌خواهید به توسعه برسید، باید کنترل جمعیت کنید. خانم امیلی مرکانت با اسناد و شواهد دانه‌دانه



بررسی کردند، گفتند این دانشمندان وقتی مشتریان تغییر کرد، مفاهیمی که خلق کردند هم تغییر کرد. هیچ یک از کشورهای توسعه یافته دنیا، از طریق کنترل جمعیت به توسعه نرسیدند، بلکه از طریق جمعیت انبوه جوانی که داشتند توانستند به توسعه برسند؛ اما وقتی که خودشان از این طریق به توسعه رسیدند، کشورهای دیگر را منع کردند که مبادا این ها با جمعیت جوان انبوه شان بخواهند به توسعه برسند

پرورش نیرو

علاوه بر تولید علمی که غربی ها انجام دادند، نیرو پرورش دادند. نیروی انسانی معتقد به کنترل جمعیت پرورش دادند که یک نمونه اش خانم ستاره فرمانفرمایان بود یا نمونه دیگرش دکتر امیر منصور سرداری بود که فرد بهایی بود و آمریکا تحصیل کرده بود و مسئول تنظیم خانواده در وزارت بهداشت پیش از انقلاب بود. این ها دانه دانه به کشورهای غربی کشانده شدند و برای کنترل جمعیت تربیت شدند. این هم یک حرف آشکار است و مسئله ای است که اسنادش منتشر شده است این موارد دست به دست هم داد و ساختارهایی ایجاد شد و از ابزارهای متعدد سیاسی هم برای کنترل جمعیت استفاده کردند. سیاستمداران برایشان مطلوب نبود که کنترل جمعیت را انجام بدهند ولی بعضاً مجبور می شدند. مثلاً ژاپن بعد از شکست



در جنگ جهانی دوم به کنترل جمعیت اجبار شد. وقتی شرایط جمعیتی کشورهای شکسته خورده در جنگ جهانی دوم را با کشورهای پیروز مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که جنگ جهانی دوم در شرایط جمعیت این‌ها فوق‌العاده مؤثر بوده است. آلمان، ایتالیا و ژاپن وضعیت فاجعه‌بار جمعیتی دارند. یکی از ابزارهایی که غرب استفاده کرد برای اینکه کنترل جمعیت را در کشورهای دیگر به پیش ببرد، سوءاستفاده از بحث تسهیلات بین‌المللی و بحث وام‌های بین‌المللی بود

وزیر جنگ آمریکا بعد از اینکه جنگ ویتنام تمام شد، رئیس بانک جهانی شد. آنجا اعطای وام‌های بین‌المللی را مشروط به کنترل جمعیت کرد؛ یعنی تنها به کشورهای وام‌های کلان بین‌المللی داده می‌شد که این‌ها بروند کنترل جمعیت انجام بدهند. به نظر می‌رسد که احیای برنامه تنظیم خانواده بعد از انقلاب خودمان هم تا حد زیادی ناشی از علاقه دولتمردان وقت به گرفتن همین وام‌های بین‌المللی بود

غرب از هر ابزاری که فکرش را می‌شود کرد، برای پیشبرد این پروژه کنترل جمعیت استفاده کرد؛ نخبه‌ترین افراد را بالای سر کنترل جمعیت گذاشت، مثلاً کیسینجر شخصاً بحث کنترل جمعیت را در کشورهای مختلف دنیا پیگیری می‌کرد که مکاتباتش در زمینه کنترل جمعیت در ایران وجود داشت. ابزارها



مختلف بود، بخشی همان تولید شبه علم و تربیت نیرو بود، بخش دیگر جنگ بود، بخش دیگر استفاده از ابزارهای بیولوژیک بود، بخشی بلوای حقوق بشری بود

گنجاندن تنظیم خانواده در مؤلفه‌های حقوق بشر

خیلی جالب است، تنظیم خانواده در یک کنفرانس بین‌المللی که پیش از انقلاب در تهران برگزار شد، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر شمرده شد، اینکه انسان بچه نیابد یکی از مؤلفه‌های حقوق بشر شد؛ یعنی در راستای اهداف خودشان، حقوق بشر تعریف می‌کنند. این کارها و پیگیری‌ها انجام شد و به کشور کنترل جمعیت وارد شد

پروژه کنترل جمعیت بعد از انقلاب

پیش از انقلاب چون عموم مردم همراهی با حکومت نداشتند، زیاد توفیقی در این زمینه نداشتند. بعد از انقلاب کنترل جمعیت تا سال ۱۳۶۵ متوقف می‌شود که باز بعد از سرشماری سال ۱۳۶۵ این کنترل جمعیت را آغاز می‌کنند که از همان ابتدا هم می‌شود دست نهادهای بین‌المللی در آغاز کنترل جمعیت را مشاهده کرد

اتفاقی که در ایران افتاد در طول این سال یک اتفاق ویژه است. دکتر نیکولاس ابراشتاد محقق انستیتو اینترپرایز آمریکا می‌گوید که ایران ظرف دو دهه، هفتاد درصد از نرخ باروری‌اش



را کم کرد که این اتفاق احتمالاً در تاریخ بشر بی نظیر بود. در تاریخ معاصر کنترل جمعیتی که در ایران شد و کاهش نرخ باروری که در ایران رقم خورد، قطعاً در تاریخ معاصر بی نظیر است؛ اما می‌گویند در تاریخ بشر هم احتمالاً نمونه‌ای برای این مسئله وجود ندارد

با شیب فوق‌العاده زیادی فرزندآوری مان کاهش پیدا کرد، خانواده‌هایی که در دهه شصت بیش از شش فرزند به دنیا می‌آوردند، صرفاً ظرف پانزده سال فرزندآوری‌شان یک‌سوم شد. این شیب فوق‌العاده‌ای که نرخ باروری و فرزندآوری در کشور کاهش پیدا کرد، منجر به این شده است که جمعیت‌مان با شیب فوق‌العاده زیادی دارد پیر می‌شود، با سرعت فوق‌العاده زیادی جمعیت کشور رو به پیری دارد می‌رود

تفاوت کنترل جمعیت ایران با سایر کشورها

رئیس سابق سازمان ثبت احوال، آقای دکتر ناظمی اردکانی در مصاحبه‌شان گفتند که ایران جزء سومین کشور دنیا است که دارد با بیشترین سرعت جمعیتش پیر می‌شود. بسیاری از کشورهای دیگر دنیا هم جمعیتشان پیر شده، چه اشکال دارد جمعیت ایران هم پیر بشود. آن کشورهایی که جمعیتشان تا الآن پیر شده، عموماً کشورهای ثروتمندی هستند، کشورهای توسعه‌یافته هستند، کشورهایی مثل ژاپن، انگلیس، آلمان



این‌ها به واسطه اقتصاد قدرتمندی که داشتند، توانستند تا حدی مصائب و مشکلاتی که یک جمعیت سالمند دارد را تحمل و مدیریت کنند. هر چند همان‌ها هم الآن کمرشان زیر بار مخارج جمعیت سالمند خم شده است. به خاطر همین است که ژاپن وزارت زادوولد ایجاد می‌کند، انگلیس وزارت تنهایی ایجاد می‌کند. اگر مشکلی نداشتند چرا باید یک ساختار عریض و طویلی برای این مسائل ایجاد کنند؟

پس یکی از تفاوت‌هایی که سالمند و سالخورده شدن جمعیت در ایران با کشورهای دیگر دارد، این است که آن‌ها توسعه‌یافته بودند، اقتصاد قدرتمندی داشتند و بعد جمعیتشان پیر شد؛ ولی متأسفانه پیش از اینکه به توسعه برسیم و پیش از اینکه یک اقتصاد قدرتمند بشویم، جمعیتمان دارد پیر می‌شود

تفاوت دیگری که دارد اینکه با سرعت فوق‌العاده زیادی جمعیتمان دارد پیر می‌شود و اساساً امکان تدارک برای جمعیت انبوه سالمند را در آینده نخواهیم داشت. الآن تقریباً از هر ده نفر ایرانی، یک نفر بالای شصت سال سن دارد ولی صرفاً ظرف دو الی سه دهه آینده، از هر چهار ایرانی یک نفر بالای شصت سال سن خواهد داشت. کلاً سیمای جامعه‌مان دگرگون می‌شود و این مسئله، مسئله خود مردم است

**جمعیت؛ مسئله حاکمیت و مردم**

از ابعاد مهمی که باید در مسئله جمعیت به آن پرداخته بشود، این است که صرفاً بحث جمعیت بحث حکومت، کشور و جامعه نیست، بحث بر سر خود مردم است و تبیین سیاست‌های جمعیتی برای مردم، به سود خود مردم خواهد بود. سن بازنشستگی را به‌ناچار باید افزایش بدهند وقتی که جمعیت پیر می‌شود و در نتیجه این ضررش متوجه خود مردم خواهد بود اینکه آسیب‌های تک‌فرزندی را می‌گوییم، این مرتبط با خود مردم است. اینکه می‌گوییم بچه‌های تک‌فرزند معمولاً خوب تربیت نمی‌شوند، این برای خود مردم است. اینکه در فرهنگ خودمان هم داشتیم که «یکی یک دانه» یا لره‌های عزیز یک اصطلاح قشنگ دارند می‌گویند که «یک بچه مال کلاغ است» ممکن است کلاغ یک بچه را بردارد ببرد، کل زندگی‌تان رفته است

ما داریم به مردم این توصیه‌ها را از سر خیرخواهی بیان می‌کنیم و این نیست که صرفاً بحث، بحث حکومت باشد. این بچه‌هایی که امروز به دنیا می‌آیند، می‌توانند عصای پیری پدر و مادرشان باشند. نسل گذشته را می‌بینیم که ۶-۷ بچه داشتند، این‌ها باز گله‌مند هستند که این بچه‌ها به ما رسیدگی نمی‌کنند. شما بعضاً می‌بینید یک تک‌فرزند با یک تک‌فرزند



دیگر ازدواج می‌کند. این‌ها احیاناً بچه‌هایی داشته باشند، در سنین سالخوردگی پدر و مادرشان، متولی نگهداری از چهار نفر خواهند بود. آیا توان این را خواهند داشت؟ فرض را بگیریم بهترین تربیت را داشته باشند، خیرخواه پدر و مادرشان باشند، دوستدار پدر و مادرشان باشند، اساساً توان نگهداری از پدر و مادرشان را نخواهند داشت

این‌هایی که الآن این کار باکلاس را انجام می‌دهند و به یکی دو بچه قناعت می‌کنند، در بهترین حالت در سنین سالخوردگی روانه یک جای باکلاس به نام خانه سالمندان می‌شوند و کسی که آنجا رفته باشد می‌داند چه فضای محنت‌بار و غم‌انگیز و پر از افسردگی آن فضا دارد

ثمرات فرزندآوری برای خانواده‌ها

فرزندآوری برای خود خانواده‌ها و برای خود پدر و مادر مزایای متعددی دارد. لازم است که این‌ها را به مردم بگوییم. شاید به بچه نگاه اقتصادی داشتن قشنگ نباشد، شاید به این نیت بچه آوردن که عصای پیری باشد زیاد قشنگ نباشد، ولی واقعاً یک حقیقتی است که در طول تاریخ و فرهنگ ایران ریشه دارد که همین عبارت عصای پیری را می‌شود یکی از نشانه‌های آن دید



نگاه قشنگ اسلامی کامل متفاوت با این فضا است. در قرآن داریم «نفخت فیه من روحی» خدا می گوید من از روح خودم در انسان دمیدم. گویا هر بچه‌ای که به دنیا می‌آید شما دارید یک قطعه از روح خدا را در خانه‌تان می‌آورید، دارید در زندگی‌تان می‌آورید، دارید روی زمین می‌آورید و به خانه‌ها را می‌بینید که صفا می‌دهد، فضای خانواده‌ها را شاداب می‌کند. هر چقدر سختی دارد، این فرزندآوری همراه با خودش یک لذت‌های ویژه دارد و این‌ها را خوب است که به مردم یادآوری کنیم که قدردان این مسئله باشند.

الی‌ماشاءالله خانم‌هایی هستند، خانواده‌هایی هستند که دنبال فرزندآوری هستند و مشکل ناباروری دارند و چقدر این‌ها عذاب می‌کشند و چقدر سختی می‌کشند و چه مصائبی را متحمل می‌شوند که بتوانند فرزندی بیاورند. قدردان این نعمت بودن را از مردم باید بخواهیم

بچه‌هایی که به دنیا می‌آیند، منحصر به فرد هستند. در نعمت‌هایی که در دنیا وجود دارد، عمومش تکراری است، یعنی اگر شما دارید دیگران هم دارند. ولی آن بچه‌ای که خدا به شما می‌دهد، آن چهره، آن مجموع استعدادهایی که آن بچه دارد، نه قبل از این فرد در تاریخ و در دنیا وجود داشته، نه بعد از آن وجود خواهد داشت. شما یک موجود منحصر به فرد را دارید و این خیلی ارزشمند است



مشخصاً عموم مردم گلایه‌هایی نسبت به مسائل اقتصادی دارند، طبیعی هم است. بسیاری از مشکلات و مسائل اقتصادی وجود دارد. در مواجهه با این‌ها درعین حال که مشکلات اقتصادی آن‌ها را می‌پذیریم، باید بگوییم که خدا می‌رساند. روی رزاقیت خدا باید تأکید کنیم. رزاقیت خدا به چه معناست؟ من همیشه این را با یک مثال بیان می‌کنم، می‌گویم که ببینید خود بنده یا پدر بنده قبل از ازدواج کار می‌کرد، نان خور پدرش بود؛ یعنی خودش لازم نبوده که هزینه‌های شخصی خودش را بدهد، هزینه‌های کس دیگری هم بر عهده‌اش نبوده، می‌توانست پول پس‌انداز کند. ولی بعد از ازدواج هزینه‌های فرد دیگری بر دوشش آمده است، هزینه‌های خودش را هم خودش متحمل شده است. آیا بعد از ازدواج وضع اقتصادی بنده یا پدر بنده بدتر شده است؟ با آمدن اولین بچه وضع اقتصادی خانواده‌ها بهتر شده یا بدتر شده است؟ با دومی و سومی چگونه؟

واقعیت این است که تجربه نشان می‌دهد که خدا رزاق است. ازدواج کرده، وضعش بهتر شده، فرزند آمده، وضعش بهتر شده است. این یک تجربه‌ای است که وجود دارد. این به معنای رزاقیت خدا است. بسیاری از افراد را سراغ داریم که مجرد ماندند به این امید که شرایط اقتصادی‌شان بهتر بشود، ولی دوستانشان در همان سنین کمتر ازدواج کردند و الآن این دو را در کنار هم



می‌گذاریم، می‌بینیم که معمولاً آن فرد متأهل شرایط اقتصادی‌اش بهتر است. این صرفاً عوامل معنوی ندارد، عوامل مادی هم دارد. فرد وقتی که ازدواج می‌کند، نگاهی به مسائل اقتصادی جدی‌تر می‌شود، چون یک تکلیف اقتصادی بر عهده‌اش است و معیشت خانواده بر عهده‌اش است، می‌گردد پیدا کند که من از چه طریقی می‌توانم هزینه‌های خانواده‌ام را تأمین کنم. فرصت‌ها را برای مسائل اقتصادی سریع‌تر پیدا می‌کند؛ یعنی عوامل مادی هم این بحث رزاقیت دارد

به خاطر همین در احادیث در این مسئله تأکید ویژه شده است. حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع) می‌فرمایند که «کَلِمَا كَثُرَ الْعِيَالُ كَثُرَ الرِّزْقُ» هر مقدار نان خورِ شما بیشتر بشود، رزق و روزی شما هم بیشتر می‌شود. هنوز این فرهنگ خوب را نگه داشتیم، عموم مردم حداقل زبانی هم که شده این را می‌پذیرند که هر آن کس که دندان دهد نان دهد. باید این فرهنگ را در مردم بیدار کنیم و این خدمتی به خود مردم است

ما چیزی که باید به مردم بگوییم این است که نمی‌خواهیم با نگاه معنوی و دیدگاه الهی نسبت به فرزندآوری ورود کنیم، حداقل می‌شود نگاه سرمایه‌گذاری به بچه و فرزندآوری داشت. این بچه‌ها به خانه و زندگی صفا می‌دهند و در آینده و در سنین سالخوردگی، دستگیر ما خواهند بود



یک آیه بسیار زیبا قرآن دارد، می‌گوید «و من نعمه ننکسه فی الخلق افلا یعقلون» و کسی را که عمر طولانی دهیم، او را در آفرینش رو به ضعف و ناتوانی می‌بریم، پس آیا [انسان‌ها] نمی‌اندیشند؟ یعنی افراد سالمند خصلت بچه‌ها را بعضاً پیدا می‌کنند. خیلی نکته جالبی است، راه رفتن افراد سالمند را نگاه می‌کنید، می‌بینید شبیه بچه‌هایی است که تازه راه رفتند. حافظه افراد سالمند ضعیف عین بچه‌ها می‌شود. روحیه‌شان حساس می‌شود، به کوچک‌ترین مسئله‌ای دلشان عین بچه‌ها می‌شکند. مشکلات سلامت برایشان وجود دارد، سایز پوشکشان متفاوت است. این آینده‌ای است که برای بسیاری از افراد سالمند وجود دارد و به آن فکر نمی‌کنیم. احساس می‌کنیم که بدون یار و یاور می‌توانیم آن دوران سالخوردگی را بگذرانیم. نیازمند است که به جامعه در مورد آینده سالمندی خانواده‌ها آگاهی بدهیم

اقدامات لازم برای حمایت از خانواده‌ها

علاوه بر این‌ها نیازمند هستیم که به خانواده‌ها روحیه بدهیم، بگوییم که دولت شما را حمایت خواهد کرد، این قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت یک قانون فوق‌العاده خوبی است. در آن تسهیلات بسیاری شمرده شده است، به خانواده‌ها گفتند زمین می‌دهند، بسیاری را دادند، بسیاری از موادش اجرایی



شده است. کسی اگر موادش را اجرایی نکند، به جرم استنکاف از اجرای قانون حتی می‌تواند به زندان بیفتد. فوق‌العاده قانون، قانون ارزشمندی است، یک خرده به مردم احساس پشت‌گرمی می‌دهد

این را بتوانیم به مردم بگوییم به این معنا نیست که صرفاً فقط بگوییم خدا رزاق است، نه. به هر حال حکومت هم تا حد خوبی با این سیاست‌های جدید جمعیتی همراهی کرده است؛ اما علاوه بر آن کارهایی که حکومت انجام داده و این قانون را پیش گرفته است، نیازمند این هستیم که فضای اجتماع، فضای محلات و عمل مردم را با فرزندآوری بیشتر موافق کنیم. مردم از فرزندآوری خانواده‌ها حمایت کنند. مثلاً فرد یک مغازه سوپرمارکتی دارد، دم در ورودی سیمان بزند که این مادر بتواند کالسکه بچه‌اش را داخل بیاورد، این یک حرکت موافق رشد جمعیت انجام داده است. دانه‌دانه مردم باید پای کار این سیاست‌های جمعیتی بیایند

آن همسایه‌ای که طبقه بالایش بچه‌ها می‌دوند و صدای پایشان می‌آید و دارد اذیت می‌شود و تحمل می‌کند، یکی از کمک‌های مردم به بحث رشد جمعیت است. این‌ها باید فرهنگش جا بیفتد. آن صاحب‌خانه‌ای که خانه را در اختیار افرادی قرار می‌دهد که چند بچه دارند و می‌گویند حتی به شما تخفیف



می‌دهیم، این دارد به آینده جمعیت کشور کمک می‌کند. باید برای این‌ها فرهنگ‌سازی کرد، این شبکه توانمند کادر بهداشت و سلامت، گسترده، مجهز که در دورافتاده‌ترین نقاط کشور نیرو دارد، می‌تواند این فرهنگ‌ها را بین مردم جا بیندازد

نیاز است که به مردم گفته شود کمیت بچه‌ها زیاد ارتباطی با کیفیتشان ندارد، این به این معنا نیست تصور شود اگر بچه‌ها کم بشوند، می‌توان کیفیتشان را افزایش داد. مثال نقض‌های متعددی دارد، تک‌فرزند، تعداد کم است و کیفیت هم معمولاً پایین است. هر چند موارد استثنای بزرگی این مسئله دارد. باید به مردم گفته شود که فرزند کمتر لزوماً زندگی بهتر را نمی‌آورد

سال‌های دهه شصت هر چند سالیان سختی بود، فرزندآوری هم بیشتر بود، کلی مشکلات اقتصادی وجود داشت، جنگ بود، کلی تحریم وجود داشت؛ اما شاهد هستیم که آسایش کمتری وجود داشت ولی آرامش بیشتری وجود داشت. در حیطه سبک زندگی متأسفانه پیشرفت نکردیم، درست است شاید نرم‌تر و گرم‌تر داریم زندگی می‌کنیم ولی آیا موفق‌تر بودیم؟ آیا طلاق کاهش پیدا کرده است؟ آیا اعتیاد کاهش پیدا کرده است؟ آیا آسیب‌های اجتماعی کاهش پیدا کرده است؟ آسایشی را رسیدیم که آرامش به دنبال نداشته است و باید این را به مردم بگوییم

بحث جمعیت یک بحث ملی است، بحث این نیست



که چه کسی دارد حکومت می‌کند. ایران با یک جمعیت پیر نمی‌تواند به پیشرفت برسد حالا هر کسی می‌خواهد در رأس آن حکومت باشد. با یک بحث ملی مواجه هستیم، هر کسی که دوستدار این کشور است ایران را دوست دارد، باید نگران بحث سالخوردگی جمعیت کشور باشد. باید همه در این مسیر حرکت کنیم، دل بسوزانیم، با همه افکار همراهی کنیم و از آن‌ها بخواهیم که به جوان ماندن ایران کمک کنند. جوان ماندن ایران به معنای تضمین پیشرفت و توسعه و امنیت کشور است

برژینسکی یکی از تئوریسین‌ها و استراتژیست‌های برجسته آمریکایی در سال ۲۰۰۹ مصاحبه‌ای با وال استریت ژورنال کرده است. آنجا توصیه می‌کند به سیاستمداران آمریکایی که از حملات پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید. می‌گوید به این تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نظامی نکنید. بعد می‌گوید با ایران بازی طولانی‌مدتی را آغاز کنید زیرا وضع آمارهای جمعیتی به نفع نظام کنونی نیست. خیلی ساده این است که می‌گوید فعلاً به ایران حمله نظامی نکنید چون جمعیت جوانی دارد و شما از پس این‌ها برنمی‌آیید. حمله نظامی را موکول کنید به زمانی که جمعیت ایران پیر و سالخورده شد این حمله نظامی، امنیت من و شماست، امنیت فرزندان



ماست و فرزندآوری امروز و این فداکاری که خانواده‌ها می‌کنند و فرزند بیشتر از معمول می‌آورند، اگر قرار بود دو بچه، سه بچه می‌آورند، اگر قرار بود یک بچه بیاورند، دو بچه می‌آورند، قرار بود سه بچه بیاورند چهار بچه می‌آورند، این یک فداکاری در راه میهن است، یک فداکاری در راه وطن است. باید قدردان این‌ها باشیم، از این‌ها ممنون باشیم. باید وقتی رجوع می‌کنند که خدمات سلامت را دریافت کنند، شور و شغف و قدرانی را ببینند، واقعاً باید ممنون این‌ها باشیم و این تأثیر فوق‌العاده مثبتی را بر روی مردم خواهد داشت

توجه ویژه به سقط جنین

سقط جنین به مثابه کشتن

نیازمند هستیم که در یکسری زمینه‌ها از جمله سقط جنین با مردم صحبت کنیم. مردم ما ماهیت سقط جنین را نمی‌شناسند که سقط جنین چیست؟ در چند جمله سقط جنین را از لحاظ اخلاقی شرح می‌دهم؛ فرض بگیرید که یکی از خویشاوندان شما به رحمت خدا رفتند، این فرد اگر با مرگ طبیعی مرده باشد شما یک حسی دارید، ولی اگر به قتل رسیده باشد حس شما متفاوت است. سقط جنین قتل است، مرگ نیست. سقط جنین کشتن است



یک فرد به میدان جنگ می‌رود آنجا کشته می‌شود، توقع می‌رود کسی که میدان جنگ می‌رود در معرض کشته شدن باشد. این جنین که دارد کشته می‌شود، کجا دارد کشته می‌شود؟ در شکم مادرش، جایی که توقع می‌رود امن‌ترین جای دنیا برایش باشد. کسی که در میدان جنگ کشته می‌شود، توسط چه کسی کشته می‌شود؟ توسط دشمن. توقع می‌رود که دشمن بکشد. جنین دارد توسط چه کسی کشته می‌شود؟ معمولاً توسط مادرش است. کسی که توقع می‌رود در قبال بچه مهربان‌ترین فرد دنیا باشد. چگونه دارد این جنین کشته می‌شود؟ بعضاً به گونه‌ای کشته می‌شود که در میدان جنگ کسی را این گونه نمی‌کشند. اگر سقط در سه‌ماهه دوم صورت بگیرد کورتاژ می‌کنند، دستگاه وارد رحم مادر می‌شود بچه را قطعه‌قطعه می‌کند و بیرون می‌کشد. یک خانم دکتري در آمریکا از طرفداران حق انتخاب بود، pro-choice. کسانی که معتقدند مادر می‌تواند انتخاب کند بچه را نگه دارد یا بکشد. فعال آزادی سقط‌جنین بود. این تعریف می‌کند می‌گویند من رفتم در یک مطب پزشک که داشت سقط‌جنین انجام می‌داد. تصویر سونوگرافی را که دیدم، دستگاه که خواست پای بچه را بگیرد و بکند، آن جنین پایش را عقب کشید. می‌گفت به دکتر گفتم که آقای دکتر این پایش را عقب کشید. دکتر هم گفت که این جانورها همه همین‌اند. گفت



حال من خراب شد از مطب بیرون آمدم و الآن یکی از فعالان ضد سقط جنین در آمریکاست. به جریان پرولایف پیوسته است _طرفداران حق حیات_ می گویند که شما حق ندارید این بچه را بکشید، این حق حیات دارد

این بچه‌ها بعضاً به این شیوه که در میدان جنگ کسی نمی‌کشد دارند کشته می‌شوند. کفن و دفن این جنین دارد؟ ندارد. سه و هفت و چهل دارد؟ ندارد. قبر مشخص دارد؟ ندارد. کسی به یادش است؟ نیست. خون خواه دارد؟ ندارد. کوچک‌ترین دفاعی می‌تواند از خودش بکند؟ یک صدای اعتراضی می‌تواند این جنین داشته باشد؟ برای حضرت علی اصغر (ع) روضه می‌خوانیم، پای روضه‌شان اشک می‌ریزیم و بچه‌های کوچک‌تر از حضرت علی اصغر را داریم می‌کشیم. فوق‌العاده نیازمند این هستیم که مردم را متشکل کنیم، برای مقابله با سقط جنین آگاه کنیم

بیشتر بودن آمار سقط جنین از تصادفات جاده‌ای

آمار تصادف‌های جاده‌ای در کشور قریب به بیست هزار مورد در سال است، آمار مرگ و میرهای ناشی از تصادفات جاده‌ای بسیار بالاست؛ اما قریب به پانزده الی بیست برابر همین تعداد کشته‌های تصادفات جاده‌ای، سقط جنین غیرقانونی در کشورمان داریم. متأسفانه این جنایت به راحتی و به آسانی و به کثرت



دارد در کشور اتفاق می‌افتد. کار فرهنگی علیه آن نمی‌شود، کار انتظامی و قضایی علیه آن نمی‌شود و خیلی در این زمینه عقب هستیم

نقش شبکه بهداشت و سلامت در پیشگیری از سقط جنین

شبکه بهداشت و سلامت، پرسنل شبکه بهداشت و سلامت می‌توانند مؤثرترین حلقه مقابله با این جنایت در کشور باشند و اگر تنها یک بچه را شما نجات بدهید، این را یک بچه نمی‌شود دید، این یک نسل است، یک نسل بچه مسلمان است، یک نسل از شیعیان حضرت امیرالمؤمنین است که تا روز قیامت طبق احادیث ثواب کند، برای شما نوشته می‌شود، شریک هستید و در گناهانشان شریک نیستید. یک باقیات و صالحات فوق‌العاده‌ای است و باید بتوانیم در مقابل این جنایت بایستیم و مانع انجام سقط‌جنین‌های جنایی در کشور بشویم

هشدار خطر سلاح‌های گشتار فردی

